

عنوان مقاله :

غیرقانونی بودن بازگشت تحریم‌ها علیه ایران بعد از بازگشت
اسنپ بک

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد
اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)

۱۴۰۴/۱۲/۲۱

ایران

ایران بعد از سال‌ها تلاش برای حل دیپلماتیک مسئله‌ی هسته‌ای با اروپا و آمریکا در گفتگوهای چندین ساله‌ی خود با گروه ۵+۱ به توافقی دست یافت که با عنوان برجام یا برنامه جامع اقدام مشترک معروف شد. این برنامه، فرآیندی گام به گام برای رفع تحریم‌ها علیه ایران و اطمینان جهانی از صلح آمیز بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران محسوب می‌شد. برجام در داخل ایران و نیز در بین احزاب مختلف کشورهای طرف مقابل، دارای موافقان و مخالفانی بود. به هر روی این توافق امضا شد و گفتگوهای چندین ساله مرتبط با آن به سرانجام مشخصی دست یافت. یکی از مسائل مهم در این توافق مربوط به چگونگی حل و فصل اختلافات ناشی از اجرای این برنامه است که به مانند سایر توافقات و قراردادهای می‌بایست مشخص می‌شد. چگونگی رفع اختلاف‌های پیش آمده از جریان این برنامه به صورتی خاص در اختیار طرف مقابل قرار گرفت و ابتکار عمل را در اختیار گروه ۵+۱ قرار می‌داد. البته به نظر می‌رسد این شیوه از حل اختلاف، بیشتر شبیه به حق فسخ در قراردادها، می‌باشد. به عبارت دیگر طرف اروپایی - آمریکایی از این حق برخوردار بود که با لحاظ برخی از شرایط، این توافق را نادیده بگیرد و به آن خاتمه دهد. البته به جهت تفسیرهای مختلف از آن، برداشت‌ها نیز متفاوت بود. ذیلاً به این بحث از جنبه‌ی حقوق معاهدات بین‌المللی در پرتو اصول منشور ملل متحد بخصوص فصل هفتم منشور اشاره خواهیم کرد. فصل هفتم منشور راجع به اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد در این توافق که می‌تواند مؤید بر تصمیم ۵+۱ در فسخ قرارداد محسوب شود. مکانیسم حل اختلاف در برجام به اسنپ بک (snapback) یا مکانیسم ماشه (Trigger mechanism) مشهور است.

اسنپ بک به فرآیندی اطلاق می‌شود که به موجب آن بازگشت تحریم‌های اعمال شده از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند در یک پروسه‌ی خودکار و صرفاً با اعلام طرف مقابل اتفاق افتد و نقش شورای امنیت در این فرآیند صرفاً به عنوان مرجعی است که می‌تواند از آن جلوگیری کند و البته وجود حق وتو مسلماً مانع از این خواهد شد. به عبارت دیگر اگر هر کدام از طرف‌های این توافق مدعی شود که طرف مقابل به تعهدات خود پایبند نیست می‌تواند موضوع را به کمیسیون مشترکی که برای این مسئله در برجام پیش‌بینی شده است اعلام نماید و در واقع فرآیند شکایت و اختتام توافق را کلید بزند. برخی مدعی هستند که این سازوکار به اصرار طرف آمریکایی در برجام گنجانده شده است که مسلماً به نوعی می‌تواند درست باشد چرا که اصرار آمریکا به اعمال تحریم‌ها علیه ایران قبل و بعد از برجام، اماره‌ای بر آن است که این مکانیسم را برای خود ایجاد کرده باشد. در حالت بدبینانه می‌توان اسنپ بک را سازوکاری دانست که بر اساس آن تحریم‌ها صرفاً با اعلام یکی از طرفین به کمیسیون مشترک، بازخواهد گشت. حال باید دید نقش این کمیسیون و شورای امنیت چگونه است و با چه طریقی می‌توان از این بازگشت جلوگیری کرد. به نظر می‌رسد که تفسیر بدبینانه از این سازوکار حل اختلاف می‌تواند

درست تر باشد چرا که در سال ۱۴۰۴ - ۲۰۲۵ این حادثه رخ داد و تحریم‌ها بازگشت و برجام به توافقی بی فایده تبدیل شد. با این حال انتقادات فراوانی به عملکرد کمیسیون مشترک و البته شورای امنیت وارد است و به نظر می‌رسد که عملکرد این دو نهاد در خاتمه دادن به برجام، فاقد وجهت قانونی بوده است.

اسنپ بک در بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام پیش بینی شده است. زمانی که طرف‌های توافق به موجب این بندها به کمیسیونی که در چارچوب برجام و با هدف نظارت بر اجرای آن تاسیس شده است اعلام نمایند که طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکرده است، کمیسیون ۳۵ روز مهلت دارد به بررسی موضوع بپردازد. این بررسی منجر به هر تصمیمی که بشود، باید طرف اعلام کننده را قانع سازد. در واقع تصمیم کمیسیون صرفاً یک اعلامیه‌ی فاقد ضمانت اجرا بوده و برای طرفین قابلیت اجرایی نداشته و از اعتبار امر مختومه برخوردار نیست و موضوع در شورای امنیت طرح خواهد شد. به نظر می‌رسد کمیسیون، نقش مرجعی پیش‌محاکمه‌ای را دارد که می‌تواند صحنه بر اجرای تعهدات طرف مقابل بگذارد و اطمینان ایجاد نماید ولی در هر صورت نظر ارائه‌ی شده‌ی آن الزام‌آور نمی‌باشد. بعد از ۳۵ روز طرف اعلام کننده که در اینجا باید او را شاکی نامید می‌تواند با آگاه‌سازی شورای امنیت سازمان ملل درباره حل نشدن موضوع شکایت، عدم اجرای چشمگیر آن را متذکر گردد.

شورای امنیت در این مرحله نقش اصلی را در بازگرداندن تحریم‌ها یا اعلام استمرار تعلیق آن‌ها بر عهده دارد. شورای امنیت ۳۰ روز فرصت دارد تا درباره استمرار تعلیق تحریم‌ها یا بازگرداندن آن‌ها قطعنامه صادر کند. در واقع اگر شورای امنیت هیچ قطعنامه‌ای صادر نکند، تحریم‌ها باز خواهد گشت و عدم بازگشت تحریم‌هاست که منوط به تصمیم شورای امنیت است، مسلماً کشورهایی که شاکی نقض تعهدات از جانب ایران هستند و عضو شورای امنیت، تعلیق مجدد تحریم‌ها را وتو خواهند کرد و این ساز و کار منجر به بازگشت تحریم‌ها خواهد شد. بنابراین صرف اعلام هر کدام از اعضای ۵+۱ مبنی بر نقض تعهدات توسط ایران، می‌تواند بعد از ۶۵ روز منجر به بازگشت تحریم‌ها شود. هیچ مانعی وجود ندارد که از این نتیجه جلوگیری نماید. در واقع مانع حقوقی پیش بینی نشده است.

این سازوکار هرچند برای طرفین پیش‌بینی شده است ولی نوعی حق فسخ برای طرف ۵+۱ است چرا که اعلام ایران مبنی بر عدم اجرای تعهدات توسط طرف مقابل، هیچ فایده‌ی عملی برای او نخواهد داشت. حال سوال این است که آیا مکانیسم ماشه، مجدد وضع را به حالت سابق باز خواهد گرداند و ایران را ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد قرار می‌دهد؟ یا اینکه امکان احیای برجام نیز متصور است؟ وضعیت آمریکا که در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد به چه صورتی خواهد بود؟ به هر حال این مکانیسم در سال ۱۴۰۴ اعمال شد و تمامی تحریم‌های اعمال شده توسط شورای امنیت پیش از برجام به حالت سابق بازگشت. موضوعی که منتقدان برجام آن را مطرح می‌کردند و بانیان و متولیان موضوع به انکار اجرائی بودن آن اصرار می‌ورزیدند. حال بایستی موضوع را در چارچوب فصل

هفتم منشور سازمان ملل متحد بررسی نمود. در نهایت اینکه اسنپ بک، نشان از ضعف در ارکان حقوقی توافق برجام است. این توافق با وجود این شرط، شبیه به عقدی با حق فسخ خواهد بود که هر لحظه امکان اعمال این حق از جانب طرف اروپائی - آمریکایی قابل تصور است. مکانیسمی که روز ۷ مهر ماه ۱۴۰۴ بعد از ۱۰ سال اجرا شد. بعد از اجرائی شدن این سازوکار، باید دید شورای امنیت سازمان ملل متحد ذیل فصل هفتم منشور، چه تکلیفی بر عهده دارد و چگونه می‌تواند در انجام تکلیف خود در پیشگیری و مقابله با هرگونه تهدید علیه صلح را به سرانجام برساند.

به استناد ماده ۳۹ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد شورای امنیت وظیفه تشخیص هرگونه تهدید علیه صلح را دارد که دربرگیرنده‌ی نقض صلح و اقدام تجاوزکارانه است و می‌تواند تصمیم بگیرد چه اقداماتی بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ برای حفظ، احیای صلح و ثبات بین‌المللی ضروری است. اگر بخواهیم عملکرد شورای امنیت را در ارتباط با ایران و قرار دادن موضوع هسته‌ای ایران ذیل فصل هفتم به عنوان تهدیدی علیه صلح بررسی کنیم ضروری است به ابتدای طرح این مسئله در شورا بپردازیم و منتقد طرح اولیه‌ی این موضوع در شورا باشیم که منجر به اعمال تحریم‌های پی در پی علیه ایران شد اشاره کنیم.

به عبارت دیگر قرار گرفتن نام ایران در ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل دارای عواقبی است که اشاره شد و تا به امروز این مسئله، نه از طریق دیپلماتیک و نه حتی از طریق نظامی حل نشده‌است. شاید اگر مسئله در سطح فعالیت و نظارت آژانس انرژی اتمی و نهادهای نظارتی باقی مانده بود، موضوع با اتخاذ راهکارهای فنی و نظارتی خاص پیش بینی شده در npt قابل حل بود. مسئله‌ای که هر روز عمق تنش در آن بیشتر می‌شود و در نهایت به دو جنگ آمریکایی - صهیونی علیه ایران در سال ۱۴۰۴ منجر شده است. البته که این اقدامات نظامی نیز نه ذیل فصل هفتم منشور که به عنوان اقدامی به اصطلاح آزادی بخش از سوی آمریکا رخ داده است و حتی مجوزی نیز از شورای امنیت دریافت نکرده است.

در یک تحلیل حقوقی می‌توان گفت دلیل اتخاذ اقدام نظامی علیه ایران توسط آمریکا، نه شکست برجام بوده و نه عملکرد شورای امنیت، در واقع شورای امنیت هرچند موضوع ایران را ذیل فصل هفتم منشور مطرح نمود که به موجب آن اگر کشوری ذیل ماده ۴۱ فصل ۷ قرار گیرد از سوی کشورهای عضو با تحریم‌های سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و نظامی مواجه می‌شود. این گام از سوی شورای امنیت در تحریم‌های سابق برداشته شده است و توافق برجام، موضوع را از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد خارج ساخته است. در واقع باید اینگونه نتیجه‌گیری کرد که بعد از توافق برجام، موضوع ایران از شمول فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد خارج شده است و اکنون مسئله تحت مقررات یک تعهد بین‌المللی قرار گرفته است. بازگرداندن مجدد مسئله‌ی هسته‌ای ایران به شورای

امنیت، مستلزم احراز شرایط ماده ۳۹ فصل هفتم خواهد بود. فلذا نیاز به قطعنامه‌ی جدیدی از سوی این شورا وجود دارد. شورای امنیت سازمان ملل متحد لزوماً باید برای ورود و بررسی یک موضوع، تحت شرایط یاد شده در ماده ۳۹، تهدید علیه صلح را احراز نماید. نقش شورای امنیت در خاتمه دادن یا برقراری برجام اهمیت قابل توجهی دارد که به نظر می‌رسد این موضوع مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع شورای امنیت برای بازگرداندن تحریم‌ها ابتدائاً باید تصمیمی مطابق ماده ۳۹ اخذ نماید. مضافاً بر اینکه شورای امنیت حتی بعد از خاتمه دادن به برجام و احیای تحریم‌ها باید مسئله را مورد بازبینی مجدد قرار می‌داد و وضعیت ایران را ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد مجدد ارزیابی می‌کرد.

هر چند برخی معتقدند که ایران در سال ۲۰۱۰ به موجب قطعنامه ۱۹۲۹ که در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید ذیل بند ۴۱ از فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار گرفت و تحریم شد و بند ۴۲، در خصوص ایران تصویب نشد. ولی نباید فراموش کرد که سال ۲۰۱۵ به دنبال مذاکرات برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل تصویب شد. مطابق با این قطعنامه در صورت پایبندی ایران به تعهدات برجامی خود قطعنامه‌های قبلی از جمله ۱۹۲۹ ملغی می‌شود و ایران از فصل ۷ منشور سازمان ملل خارج می‌شود. در واقع برجام باعث خروج ایران از فصل ۷ منشور سازمان ملل شده است. این ادعا از متن قطعنامه ۲۲۳۱ قابل استنباط است.

التهیه با وجود قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام می‌توان موضوع هسته‌ای ایران را خارج از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد دانست. در خصوص بازگشت ایران ذیل فصل هفتم نه صرفاً تصویب شورای امنیت بلکه اثبات عدم پایبندی ایران به تعهدات برجامی خود ضروری است. هرچند می‌توان در تفسیری مضیق از قطعنامه ۱۹۲۹ سال ۲۰۱۰ عنوان کرد که ایران هیچ‌گاه تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد نبوده است. به نظر می‌رسد که قطعنامه سال ۲۰۱۰ صرفاً اعمال برخی از تحریم‌ها علیه ایران را تحت ماده ۴۱ محقق کرده است و مسئله‌ی ایران هیچ‌گاه به صورت رسمی تحت شمول فصل هفتم منشور مطرح نبوده است که موضوع خروج آن مطرح باشد. مضاف بر اینکه بند ۳۸ قطعنامه ۱۹۲۹ تصریح به این دارد که اگر ایران هیچ‌یک از تعهدات را اجرا نکرد نمی‌توان از ظرفیت ماده ۴۲ فصل هفتم استفاده کرد. از سوی دیگر بازگشت تحریم‌ها هر چند با سازوکار مکانیسم ماشه مورد توافق صورت گرفته است ولی به نظر می‌رسد عدم پایبندی ایران به تعهدات برجامی خود مستلزم اظهار نظر کارشناسی از سوی آژانس یا هر نهاد بی طرف با صلاحیت لازم خواهد بود. قطعاً تفسیر موسع از شرط اسنپ بک، موجب بازگشت تحریم‌ها را فراهم آورده و اینجاست که می‌توان نقش نهادهای تخصصی بخصوص آژانس و گزارش‌های آنرا مبنای ابطال تصمیم صادره قرار داد. در واقع ادعای عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود، قابل اعتراض می‌باشد و موضوع در صورتی که اثبات شود، می‌تواند رفع تحریم‌های بازگشت داده شده را سبب گردد.

Title :

**The illegality of re-imposing sanctions
on Iran following the snapback
mechanism**

The Writer:

Mahmoud Rashnavaz

**Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official experts
and consultants of the judiciary**

۲۰۲۶/۰۳/۱۲